**درس خارج فقه استاد معظم آقای حاج سید محمد جواد شبیری**

**بحث: زکات**

**14031127**

**جلسه 85**

**متن خام**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

ببینید سوالی که ایشان مطرح کردند در مورد مثقال صیرفی و مثقال شرعی چیزی به نام مثقال صیرفی و مثقال شرعی در متون قدیمی نداریم مطلقا این اصطلاح اصطلاحی هست که مرحوم مجلسی به تبع پدر خود ملا محمد تقی مجلسی به کار بردند و باعث شیوع شده آن که هست همان بحثی هست که والترهینس و به تبع آن بعضی پژوهشگران دیگر مطرح کردند که درهم الکیل مثلاً با درهم النقد وزنش فرق داشته مثلاً نمی­دانم این طور مطالب تنها چیزی که وجود دارد آن هم ربطی به این این بحث اینها ندارد مثلاً مثقال بگوییم وزنش با دینار فرق داشته مثقال به عنوان واحد وزن بوده دینار به عنوان مسکوک بوده به این عنوان بگوییم مثقال سنگین تر بوده از دینار و دینار سبکتر بود خب این هست یعنی ادعا در این مورد هست که مثقال در واقع سنگین تر از دینار بود برعکس در واقع اینها مثقال که مبنای محاسبه هست برعکسش هست ادعا و قابل به هر حال بررسی هست ولی اینکه بگوییم یک چیزی به نام مثقال شرعی داشتیم که آن هم سه چهارم مثقال بازاری یا مثقال صیرفی بوده این اصلاً یک چیزی وجود خارجی ندارد عرض کردم منشا اشتباه آن این است که اشرفی که در زمان مرحوم ملا محمد تقی مجلسی وجود داشته این اشرفی وزنش یک مثقال نبوده وزنش سه چهارم مثقال بوده ایشان تصور کرده که این اشرفیها دقیقاً حالا آن اشرفی نمی­دانم اشرفی که اندازه گرفته بوده خردگی داشته و چه داشته و چطوری اندازه گیری کرده بود چون اندازه اشرفیهایی که در آن دوره هست سه چهارم نیست باز بیشتر است سه چهارمی ایشان اندازه گیری کرده خیلی کم است یعنی آن سکه هایی که از آن دوره هست چهار و شش دهم کمتر است چهار و بیست و پنج هست چهار و پنجاه و سه هست این رقمها هست ولی آن رقمی که ایشان می­گوید سه چهارم و چهار و شش دهم باشد فکر کنم اشرفی هم وجود نداشته باشد بگذارید من الان وزن اشرفی که اینجا نقل می­کند را ببینم خدمت شما عرض کنم که وزن اشرفی که آن موقع زده می­شده سه ممیز چهل و پنج گرم می­شود همان سه ممیز چهار دهم تا سه و نیم همان سه چهارم بوده اشرفی که در آن دوران از اواسط قرن نه هجری قمری سکه ای به نام اشرفی به وزن معین سه ممیز چهل و پنج صدم گرم از سوی مملوکان مصری در جامعه اسلام رواج یافت که این اشرفی هم در حدود سه و چهار درهم تا سه و نیم تا سه و پنجاه و دو یک کمی بالا پایین همان حدود قدیمی ترین اشرفی به وزن سه ممیز چهارصد و نود و هشت هست اشرفی که زمان ناصرالدین شاه هست سه ممیز چهل و پنج است همان سه چهارم است سه چهارم است بله عرض کنم این اشرفی بوده که آن اشتباهی که رخ داده که اشرفی را خیال کردند همان درهم هست خب ما من جمع بندی بحثها را عرض بکنم

شاگرد: اشرفی طلا بوده

استاد: بله اشرفی از جنس طلا بوده

 خب ببینید ما این محاسباتی که انجام شده بود بر اساس این محاسبات یک سری چیزهایی از اوزان شرعی مقدارهایش مشخص می­شود بله یکی بحث آب کر هست آب کر حالا من عبارت رساله حاج آقا را می­خوانم یک توضیح درباره این عبارت می­دهم

آب کر: وزن آن بی‌اشکال ۱۲۰۰ رطل عراقی است ولی در تبدیل مقدار آن به اوزان کنونی در بین دانشمندان اختلاف نظر دیده می‌شود، بنابر نظر مشهور، مقدار کر   ۳۷۷ (تقریباً ۴۲/۳۷۷) کیلوگرم می‌باشد.

 که این همان بر محاسبه سه چهارم هست که اینکه مثقال شرعی سه چهارم مثقال سیرفی باشد و این سه چهارم را ضربدر هفت دهم که هر درهم هم هفت دهم دینار بوده که می­شود بیست و یک چهلم انجام دادند البته یک سری اشتباهاتی هم در این محاسبه هست که حالا نمی­خواهم وارد بشوم که حاج آقا همان موقع می­گفتند اگر هم برای محاسبه باشد باید سیصد و هشتاد و چهار و خورده ای باشد نه سیصد و هفتاد و هفت چون یک تفاوتهایی وجود دارد که نکاتی هست که آن نکات در این محاسبات محاسبه نشده طبق نظر آنها هم سیصد و هشتاد و چهار باید باشد نه سیصد و هفتاد و هفت حالا اینها نکاتی دارد که نمی­خواهم وارد آن بشوم چون اصل مبنا اشتباه است دیگر به آن اشتباهٌ فی اشتباه به آن نمی­خواهم بپردازم

 ولی ظاهراً مقدار کر بیشتر از این مقدار است برخی از بزرگان مقدار آن را تقریباً چهارصد و شصت و دو هفتاد و هفت کیلوگرم

 این چهارصد و شصت و دو هفتاد و هفت کیلوگرم مقداری هست که مرحوم سردار کابلی ذکر کردند سردار کابلی درهم را سه ممیز نودو هفت گرفتند سه ممیز نود و هفت. هر رطل را هم صد و سی درهم گرفتند که خب در روایات ما هم صد و سی درهم بود آن درهم دو و نود و هفت و رطل صد و سی درهم قرار دادند

 اگر ما عرض کردیم در بحث رطل مبنای دیگری وجود دارد اگر ما درهم را صد و بیست و هشت درهم بگیریم نه صد و سی. صد و بیست و هشت درهم بگیریم اگر رطل را صد و بیست و هشت درهم بگیریم وزن آب کر می­شود چهارصد و پنجاه و شش و نوزده ببینید اشتباه که محاسبه نکردم یعنی هزار و دویست را ضربدر صد و بیست و هشت درهم بگوییم چهارصد و پنجاه و شش ممیز صد و نود و دو حالا همان صد و نوزده من در نظر گرفتم

 خب یک حساب دیگری هست درهم را دو و نود و هشت گرفتند یک کمی بیشتر اینجا می­­شود بنابر اینکه رطل را صد و سی درهمی بگیریم می­شود چهارصد و شصت و چهار ممیز هشتاد و هشت اگر رطل را صد و بیست و هشت درهمی بگیریم می­شود چهار صد و پنجاه و هفت ممیز هفتادو سه اگر درهم را دو و نود و نه بگیریم چهارصد و شصت و پنج ممیز شصت و شش است صد و سی ضربدر دو و نود و نه چند می­شود آن را ضربدر هزار و دویست کنید

شاگرد: 466 ممیز 44

می شود چهل و چهار خب پس این را دو ممیز نهصد و هشتاد و پنج گرفتند بر اساس دو ممیز نهصد و هشتاد و پنج که خیلی از چیزها هست این چند می شود؟ می شود شصت و شش عین هم است بر اساس دو و نهصد و هشتاد و پنج که برخی از محاسبات این طوری هست می­شود چهارصد و شصت و پنج ممیز شصت و شش. بنابر رطل را هم صد و بیست درهمی بگیریم می­شود چهارصد و پنجاه و هشت

 بنابراین یک مقداری آن تفاوت چهار پنج کیلویی در این محاسبات بین اینکه رطل را بیشتر از چهار پنج کیلو بین مثلاً سه تا و چهار تا یک هفت کیلویی بین اینکه رطل را صد و سی درهم بگیریم یا صد و بیست و هشت درهم بگیریم فرق می­شود ولی خب احتیاط با همان است که ما مبنای محاسبه را همان صد و سی درهمی بگیریم که مقدارش بنابر بالاترین رقمی که اینجاها در محاسبات هست که دو و نهصد و هشتاد و پنج است می­شود چهارصد و شصت و پنج ممیز شصت و شش این بنابر اینکه درهم دو و نهصد و هشتاد و پنج گرم باشد و رطل صد و سی درهم باشد خب این این مطلب.

 حالا این یک محاسبه. محاسبه بعدی همین نصاب غلات است در نصاب غلات یک نکته ای ابتداءً در مورد وزن حجمی عرض بکنم مرحوم سردار کابلی در کتاب غایة التعدیل آن چاپ قدیمی که صفحه من به آن چاپ آدرس دادم اینجا صفحه بیست و شش نوشتم علامه سردار کابلی در کتاب غایة التعدیل صفحه بیست و شش وزن حجم معینی از آب، گندم و جو را به ترتیب صد و چهل صد و هفده و صد و پنج تعیین کرده است. خب این رقمهایی که ایشان تعیین کرده و البته من اشکال کردم ولی با عنایت به تفاوت انواع آبها و گندمها و جوها و سبکی و سنگینی تعیین وزن دقیق برای گندم و آب و جو صحیح نیست این وزنهایی که ایشان تعیین کرده اگر وزن حجمی آب را به اصطلاح یک بگیریم صد و چهل صد و هفده صد و پنج نسبتشان این طوری هست یعنی صد لیتر آب را اگر صد کیلوگرم بگیریم صد لیتر آب را صد کیلوگرم بگیریم جو که صد و هفده است می­شود هشتاد و سه و نیم یعنی نسبت صد و هفده به صد و چهل هشتاد و سه و نیم درمی­آید خیلی گندم سنگینی است خیلی گندم سنگینی است گندم حسابی سنگین است من عرض کردم یک محاسبه ای که ما روی گندم کردیم صد کیلو یعنی صد لیتر گندم هشتاد کیلو بود که آن هم باز سنگین تر از چیزهایی بود که در طول تاریخ به اصطلاح ذکر کردند ولی ایشان هشتاد و سه و نیم گندمش را محاسبه کرده جو هم هفتاد و چهار و سه دهم محاسبه کرده آن صد و پنج نسبت به صد و چهل می­شود هفتاد و چهار ممیز سه دهم آن هم آن هم باز از حداکثری که برای جو ذکر کردند شصت و هفتاد دو کیلو است بالاتر است اینها می­گویم گندم و جوهایی که در زمانهای کنونی هست اینها اصلاح نژاد شدند اصلاح نژاد شدند یک بنده خدایی بود حالا ایام شوخی و اینها می­گفت که یک بچه ای می­دید که زیباتر از پدر و مادرش هست می­گفت اصلاح نژاد شده اگر برعکس بود می­گفت پدر ژن را درآورده حالا این گندمها اصلاح نژاد شده و امثال اینها و الا گندمهای قدیمی بین هفتاد و پنج تا هفتاد و هفت کیلو گندم بوده که باید محاسبات بیشتر روی آن گندمها بکنیم نه گندمهای جدیدی که عرض کردم من گندمهای قم را که دادم وزن کردند هشتاد کیلو درآمد گندمی که ایشان محاسبه کرده هشتاد و سه و نیم کیلو هست که خب خیلی گندم پرمایه ای است

* ایشان با آب مقایسه کرده آب مقطر هم خیلی کم پیدا می­شود بالاخره املاح دارد سنگین تر است

نمی­دانم وزن حجمی با آب مقطر سنگین تر است سبکتر است آن را دقیق نمی­دانم این را الان صد کیلو چون عرض کنم خدمت شما آیا سنگین تر است دقیق من آن را اندازه نگرفتم من حالا با حساب آب با در نظر گرفتن آب مقطر در نظر می­گیریم آنها را هم من با محاسبه آب مقطر می­گویم هشتاد کیلو و امثال اینها علی ای تقدیر این وزنی که ایشان تعیین کرده برای حجم معین آب و گندم و جو گندم و جوها خیلی گندم و جوهای سنگین و پر و پیمانی هستند مغز دار و حسابی و امثال اینها هستند باز هم بگذار یک شوخی دیگه بکنم خدا رحمت کند مرحوم مدرس را عبدالله مستوفی در کتابش یک تعبیری دارد در زمان رضا شاه موقعی که رضا شاه می­خواسته شاه بشود و اینها که مرحوم مدرس مخالفت می­کرده با ایشان گفتگوهایی کرده گزارش گفتگوهای او را ذکرکرده عنوان مطلبی که روی این گذاشته گفته یک مشت سخنان تخمی. بعد توضیح داده می­گوید تخم محصولاتی را که بهترین محصولات را برای تخم نگه می­داشتند تخمی یعنی پرمایه و پرمغز حالا این گندمها و جوهایی که اینجا هستند اینها تخمی هستند این محاسباتی که گندمها و جوهایی که هست گندمها و جوهای خیلی خوبی هستند پرمغز است که وزنهایشان این قدر زیاد و بزرگ از آب درآمده خب این هم این مطلب. حالا ما اینجا محاسباتی که کردیم حالا دیگر خودتان باز بر مبنای همان محاسباتی هست که انجام شده نصاب گندم و جو و اینها را توضیحاتی در رساله داده شده رساله حاج آقا ملاحظه بفرمایید نصاب غلات را من آنجا بر اساس چیزهای مختلف محاسبات را انجام دادم و عرض کردم رطل را ما صد و سی درهم گرفتیم در این محاسبات آنجا مقدار درهم عبارت رساله این است مقدار درهم بنا بر تحقیق بیش از بیست و یک چهلم مثقال معمولی است بر طبق یک محاسبه وزن درهم تقریباً دو ممیز نود و هفت گرم تعیین شده که همان محاسبه والتر هینس است که پاورقی آدرس داریم غایة التعدیل است البته والتر هینس هم همین دو و نود و هفت می­گوید والتر هینس تفاوتشان این است ایشان درهم الکیل را با درهمی که بر اساس سنجة المیزان محاسبه می­شود فرق قائل است درهم الکیل را و الا درهم النقدی که والتر هینس ذکر می­کند دو و نود و هفت است این دو و نود و هفت در اوزان و مقیاسهای والتر هینس هم هست خب بر یک تقریباً دو و نود و هفت گرم تعیین شده در نتیجه نصاب یعنی سیصد صاع معادل هزار و چهل و یک ممیز دویست و سی و نه کیلوگرم با محاسبه دیگر وزن درهم سه ممیز صد وبیست و پنج گرم معین شده در نتیجه نصاب هزار و نود و هفت ممیز هشتصد و هفتاد و پنج کیلوگرم خواهد بود

خب اینها این محاسبات است اما محاسبات را اگر ما رطل را صد و بیست و هشت درهم بگیریم صاع می­شود هزار و صد و پنجاه و دو درهم خواهد بود این درست است چون اینجا گفتیم هر صاع هزار و صد و هفتاد درهم است ولی اگر صاع رطل را صد و بیست و هشت درهمی بگیریم چون صاع نه رطل است نه تا صد و بیست و هشت می­شود هزار و صد و پنجاه و دو درهم در نتیجه نصاب بنابر محاسبه درهم به دو ممیز نود و هفت گرم تقریباً هزار و بیست و پنج کیلوگرم و بنا بر محاسبه درهم به سه ممیز صد و بیست و پنج تقریباً هزار و هشتاد و یک کیلوگرم خواهد بود خب ببینید حالا اینها برای اینکه احتیاط انجام بشود و یک مقداری هم کمتر از این در نظر بگیریم ما نصاب گندم را یک تن در نظر می­گیریم این هزار و بیست و پنج گرم بیست و پنج گرم را هم حذف کنیم به صورت تقریبی که بخواهیم نصاب تعیین کنیم به آن صد و بیست و هشت درهمی بودن رطل هم که ما گفتیم ممکن هم هست در باب نصاب همین باشد ما صد و سی درهم را گفتیم از باب استحباب ممکن است باشد و ثابت نیست که این صد و سی درهم حکم شرعی الزامی باشد

 بنابراین نصاب می­تواند هزار و بیست و پنج کیلوگرم باشد حالا یک مقداری با توجه به گندمها و امثال اینها هزار کیلوگرم را در نظر بگیرید که عرض کنم خدمت شما چیز مناسبی هست بگوییم هزار کیلوگرم اما از آن طرف این مال گندم بود که ما عرض کردیم این محاسبات که صاع 9 رطل است این بر اساس گندم است ولی جو کمتر است خرما هم کمتر است و ما جو را بر اساس حداقل وزنی که برای جو در نظر گرفتیم هفتصد و هشتاد کیلوگرم وزن را تعیین کرده بودیم هفتصد و هشتاد کیلوگرم بر اساس حداقل وزنی که برای جو در نظر گرفته شده البته آن درهمش صد و سی درهمی بوده اگر درهمش صد و بیست و هشت درهم باشد این هفتصد و شصت و هشت می­شود دوازده کیلو کم می­شود بر اساس وزن صد و بیست و هشت درهم برای هر رطل حداقل وزن به هفتصد و شصت و هشت کیلوگرم کاهش پیدا می­کند حالا ما بخواهیم یک تقریبی در نظر بگیریم که احتیاط هم رعایت شده باشد بگوییم نصاب جو هفتصد و پنجاه کیلوگرم نصاب گندم هم یک تن.

 خب این نتیجه نصابهایی که ذکر کردیم نصاب خرما هم از این کمتر است البته خرمایی که الان هست نوع خرما یک مقداری سنگین تر است این طور نیست که سبک باشد ولی حالا اگر همان پنجاه و پنج در نظر بگیریم در بعضی از محاسبات هست با شصت و دویی که جو هست محاسبات جویی که ما داشتیم بر اساس شصت و دو بود که در نظر گرفتیم یک مقداری این را در نظر بگیریم یک چیزی حدود هفتصد کیلو نصاب بر اساس خرما می­شود و اینها حالا کشمش و چیزهای دیگر هم بر اساس این محاسبات می­شود محاسبه آن را انجام داد

شاگرد: وقتی معیار را با حجم فرمودند چرا ما تبدیل کنیم به وزن ؟

نه برای اینکه راحتتر است حجمش را هم تعیین کردیم این حالا نحوه تعیین حجم هم ما حجم تعیین کردیم محاسبات ما حجم است. من نوشتم که بنابراین ارقام هزار و چهل و یک ممیز دویست و سی و نه یا هزار و نود و هفت ممیز هشتصد و هفتاد و پنج کیلوگرم مربوط به نصاب گندم می­باشد و با عنایت به تفاوت اقسام مختلف گندم در وزن حجمی اختلاف فوق در وزن درهم تعیین وزن دقیق نصاب غلات میسور نیست ولی می­توان حجم حداقل هزار و سیصد لیتر را برای نصاب غلات در نظر گرفت این حجم در غلات مختلف وزنهای مختلف دارد هزار و سیصد لیتر. که حالا اگر محاسبه آن را اینها را ما بر اساس محاسبه هزار و عرض کنم صد و سی در نظر گرفته بودیم این خیلی تفاوت نمی­کند چون اینها را من یک مقداری تقریبی در نظر گرفتم این مقدار تفاوتها در آن تقریبهای ما بین صد و سی و صد و بیست و هشت درهم اثرگذار نیست همین حد حداقلی هزار و سیصد لیتر را در نظر بگیریم در پاورقی نوشتم حجم نصاب غلات بین هزار و سیصد و تا هزار و پانصد لیتر دانستیم که حداقل نحوه محاسبات آن هم در پایین آمده که چطوری محاسبه شده و اینها هزار و سیصد هم همین است یعنی آن تفاوتی که ما بین صد و بیست و هشت درهمی دانستن رطل با صد و سی دانستن آن در این مقدارهایی که ما محاسبه کردیم خیلی تفاوت ایجاد نمی­کند همین هزار و سیصد لیتری که آنجا تعیین کردیم همین هزار و سیصد لیتر در جای خودش باقی می­ماند

عرض کنم در مورد مقدار صاع بنابراین که گندم را اینکه آن مدار آن محاسبات لیتر و اینها بود هفتاد و پنج در نظر بگیریم گندم را هفتاد و پنج یعنی صد لیتر گندم را هفتاد و پنج کیلو در نظر بگیریم بر اساس صد و سی درهمی بودن رطل صاع آب می­شود چهار هزار و ششصد و سی و سه بر اساس هفتاد و شش چهار هزار و پانصد و هفتاد و دو بر اساس گرم بر اساس هفتاد و هفت چهار هزار و پانصد و دوازده بر اساس هشتاد، چهار هزار و سیصد و چهل و سه.

 اما صاع گندم صاع گندم بر اساس مبنای محاسبه دو و نود و هفت صاع گندم صد و سی رطلی می­شوند سه ممیز سه هزار و چهارصد و هفتاد و چهار. و بر اساس. سه ممیز صد و بیست و پنج، سه هزار و هفتصد و پنج یعنی بالاترین رقمی که ما در گندم و اینها داریم حالا چون گندمها هم یک مقداری بعضی گندمهای سنگین ما داریم از این گندمهای سنگین می­خواهیم بدهیم بخصوص گندمی که سردار کابلی ذکر کرده بود خیلی سنگین است احتیاطش این است که فطریه را چهار کیلو محاسبه کنیم در محاسبات رساله حاج آقا سه و ششصد هست ولی آن بر اساس گندمهای یک مقدار سبکتر است ولی الان گندمهای پرمغز اینجا فطریه آنها می­شود چهار کیلوگرم حدوداً شما بنابراین آقایانی که می­خواهند ماه رمضان نزدیک است احتیاط کنند فطریه را چهار کیلو در نظر بگیرند این مقدار احتیاط قضیه در این است

شاگرد: میانگین انواع مختلف را نباید در نظر گرفت؟

نه. طرف هر گندمی که بخواهد بدهد باید آن را محاسبه کند ما باید تعیین مقدار حجم می­کنیم آن حجم را گندم سبک بدهد آن گندم سبک گندم سنگین بدهد گندم سنگین را

* نه تبدیل حجم . معیار که فرمودید حجم را ما می­خواهیم به وزن تبدیل کنیم

خب نه آنها را ما بر اساس همان متوسط در نظر گرفتیم یعنی متوسطش را هفتاد و پنج بگیریم یا هفتاد و شش بگیریم یا هفتاد و هفت بگیریم آن به اصطلاح مشکل قضیه این است که ما آن را که تبدیل به حجم می­کنیم بعد دارید شما گندم سنگین می­دهید چون گندم سنگین می­دهید گندم کنونی چون گندم سنگین است باید وزن بیشتر محاسبه کنید این که نتیجه این بحثها این است که فطریه را کمتر از چهار کیلو خیلی سخت است. با گندمهای موجود که گندمهای سنگینی هستند. البته می­شود کمتر هم. اشکال ندارد چون گندمهای سبک هم داریم گندمهای دیمی هم داریم که سبک است سنگین‌ها گندمهایی هست که می­رود در به اصطلاح آرد می­شود و عرضه چیزی می­شود ولی گندمهایی که برای بازار می­آید و اینها بعضیها سبک است گندمهای جنس نامرغوبش در بازار می­آید و اینها آن به سنگینی گندمهای چیز نیست علی ای تقدیر این رقمها هست رقم سه کیلو را که آقایان معمولاً محاسبه می­کنند خیلی کم است آن قطعاً غلط است آن سه کیلو به هیچ وجه برای صاع درست نیست ما به هر حال دیگر از سه کیلو و نیم کمتر نباید بگیریم بین سه کیلو و نیم تا چهار کیلو وزنی که برای گندم تعیین بشود سه کیلو و نیم تا چهار کیلو هست این وزن وزن به اصطلاح معقول و چیز هست این همان سه و ششصدی که در محاسبات قبلی هست و اینها سه و ششصد هم با توجه به اینکه گندمهای سبک هم داریم چون وزن می­تواند قیمت آن گندم سبک را محاسبه کند گندمهایی که از جهت جنسی آن گندمهای سنگین قیمتش هم زیادتر از اینهاست این گندمهایی که الان محاسبه می­شود و بر مبنای صاع قرار می­گیرد قیمتش از اینها کمتر است و الا گندمهایی که یک مقدار خیلی خوب است و در کارخانه آرد، آرد می­شود و آردش می­آید بیرون آن گندم نرخش از این نرخهایی که تعیین می­شود بالاتر هست و اینها

شاگرد: کفاره هم

کفاره هم اگر بخواهد احتیاط کند یک کیلو را در نظر می­گیرد نه نهصد گرم احتیاطش این است ولی مانعی ندارد همان رقمی که تا حالا بوده آن رقم مشکلی ندارد ولی احتیاطش این است که کفاره را که به اصطلاح مدّ در نظر می­گیریم یک چهارم، یک کیلو در نظر بگیریم و صاع را چهار کیلو در نظر بگیریم این مقداری است که دیگر احتیاط کاملاً در آن رعایت شده ولی آن نهصد گرمی که قبلاً مبنای محاسبه بود و سه و ششصدی که قبلاً مبنای محاسبه صاع بود آنها اشکالی ندارد

 این نتیجه گیری بحثهای گذشته حالا ما از فردا ان شاءالله بحث نصاب غلات اربعه تمام شد بحث بعدی وقت تعلق زکات به غلات هست که عروه جلد چهار عروه های شش جلدیها عروه جلد چهار صفحه شصت و چهار و صفحه یک بود.

چهارشنبه ها یک حدیث می­خواندیم حالا من تکه ای از حدیث را یادداشت کرده بودم در مورد زیارت آل یاسین. روز سه شنبه همین جا در مورد زیارت آل یاسین من صحبتی داشتم بعضی از دوستانی که در خدمت ایشان هستیم یک مقاله ای برای من فرستادند در مورد قرائت سلام علی آل یاسین مقاله خوب و قابل استفاده ای بود بعضی نکاتی که اتفاقاً بنا داشتم مطرح کنم در توضیح این روایت، در نوشته دوستان بود. من همین روایتی که می­خواهم بخوانم بود من یادداشت کرده بودم بخوانم دیدم در نوشته این دوستان هم حالا من روایت را می­خوانم یک توضیحاتی هم در تکمیل عرائضی که در سه شنبه در مورد زیارت آل یاسین داده بودم هم عرض خواهم کرد اول همین تعبیر با همین تعبیر زیارت آل یاسین شروع کنم

 آیا این عبارتهایی که سلام آل یاسین السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته دعا هست یا زیارت است من در سه شنبه عرض کردم دعای آل یاسین یا به عبارت دیگر زیارت آل یاسین. دعا یک معنای اصلی دارد یعنی درخواست کردن از بزرگتر. طلب السافل من العالی. اینکه ما فرض کنید دعا یا زیارت را در مورد آل یاسین می­خواهیم تعیین کنیم محتوای کلی زیارت است و الا در آن هم دعا هست هم زیارت است یک مجموعه ای است ولی بر اساس محتوای کلی که هست آن را می­خواهیم تعیین کنیم

 عرض کنم خدمت شما دعای به معنای درخواست حاجتی از یک بزرگتر سوال کوچکتر از بزرگتر این متن به این معنا خب دعا نیست دعا حجم کمی از این زیارت را تشکیل می­دهد محور اصلی زیارت این معنا نیست

 ولی یک معنای وسیعتری برای دعا می­شود در نظر گرفت که ظاهراً بعضی از اطلاقات دعا به این معناست دعا یعنی به حضور خدا رفتن با خدا حرف زدن به این معنا رو به سوی خدا کردن به این معنا این زیارت آل یاسین دقیقاً دعاست از آن طرف زیارت حالا این توضیح را بعد عرض می­کنم اما زیارت زیارت اصل معنایش حضور الزائر عند المزور تست. این معنا معنای حقیقی آن جایی هست که مزور حیات داشته باشد انسان برود خدمت امام علیه السلام برسد خب این معنای زیارت است ولی یک معنای تنزیلی به یک معنا ما داریم زیارت به اعتبار اینکه وقتی آن امام علیه السلام در حال حیات نیست رفتن در نزد قبر آن امام را ما زیارت آن امام می­دانیم به اعتبار اینکه آن امام نسبت به قبرشان یک عنایت ویژه دارند یک نوع حضور الزائر عند المزور به یک معنای تنزیلی در حضور عند القبر المزور هست ولی در مورد حضرت ولی عصر خب هیچ یک از این دو معنا نه معنای حقیقی اولی و نه معنای دومی معنا ندارد یک نوع حضور دیگری یک نوع روآوردن به سوی حضرت ولی عصر در عصر غیبت وجود دارد که آن معنای زیارت به این معنا وجود دارد تعبیری که در زیارت آل یاسین اولش هست خودش روشن کرده که این به چه معناست اذا اردتم توجه بنا الی الله و إلینا زیارت آل یاسین روی آوردن به واسطه اهل بیت علیهم السلام به درگاه الهی و به درگاه اهل بیت است یعنی ما با این زیارت هم به درگاه خدا رو می­آوریم دعا به آن معنای وسیعش شامل می­شود هم به درگاه اهل بیت رو می­آوریم

 یک بحث دیگری اینجا هست کلمه اذا اردهم توجه بنا الی الله و إلینا این «نا» یعنی چه؟ نا گاهی اوقات از باب احترام شخص نا تعبیر می­کند آیا این نا یعنی خود حضرت ولی عصر سلام الله علیه عجل الله تعالی فرجه یا به این معنا نیست ظاهراً مراد از «نا» کل اهل بیت هست آل یاسین با توجه به تعبیر سلام علی آل یاسین این هست که کل آل یاسین را ما دعا می­کنیم یعنی خدمتشان می­روم توجه به آنها می­کنیم حالا قبل از اینکه این را بگویم یک نکته ای یادم رفت این را بگویم یکی از مثالهای روی آوردم به سوی خدا خود نماز است نماز اولش یک دعایی دارد دعاء التوجه می­گویند «وجهت وجهی لله الذی» وجهت وجه دعای توجه است عبارت توجه است که در روایات سوال می­کند ان التوجه توجه همان وجهت وجهی لله است که در بعضی تعبیرات خود الله اکبر را هم مصداق توجه دانسته یعنی رو کردن به سوی خدا و توجه به درگاه الهی زیارت آل یاسین یک نوع توجه به درگاه الهی هست مثل همان توجهی که انسان در نماز به درگاه الهی دارد هم توجه به درگاه الهی هم توجه به درگاه اهل بیت علیهم السلام.

 این زیارت ولو با سلام به امام زمان شروع می­شود ولی سلام به امام زمان در واقع یک نوع توجه به کل اهل بیت است به تعبیری بعضی از شعرا دارند من با عنایت به این تعبیر یک مقداری عوض کردم می­گوید «نام احمد نام جمله انبیاست» من این را این طوری تغییر دادم

نام مهدی نام جمله اوصیاست هستی او لنگر ارض و سماست

با عنایت به تعبیری که در دعای عدیله وارد شده «بیمنه رزق الورا و بوجوده سبقت الارض و السماء» حالا من این دعایی را که قسمتی از روایت امام رضا را که در صحیحه ریان بن صلت وارد شده این روایت ریان بن صلت حاج در بحث خمس مفصلاً در مورد سندش بحث کرده یعنی بحث سندی مفصلی اینجا دقیقاً همین روایت ریان بن صلت را ایشان آنجا دارند که این روایت فرق بین آل و امت هست که امام رضا علیه السلام در حضور علما توضیح می­دهند در حضور مامون و علمای عامه که وجود دارند که تفاوتهایی بین آل و امت هست آیات قرآنی که این تفاوت روشن می­کند می­گوید امام علیه السلام بنابر این روایت می­فرماید اما الآیة السابعه قول الله تبارک و تعالی ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما

می­گوید و قد علم المعاندون منهم انه لما نقلت هذه الآیه قیل یا رسول الله قد عرفنا التسلیم علیک فکیف صلاة علیک

تسلیم به شما را می­دانیم که چه شکلی هست این سلموا تسلیما را بنا به این روایت به معنای تسلیم بودن نیست سلام کردم هست سلام کردن به شما را می­دانیم صلات بر شما به چه شکل هست

 قال فتقولون اللهم صلی علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید فهل بینکم معاشر الناس فی هذا خلاف قالوا لا قال المامون هذا مما لاخلاف فیه

امام رضا علیه السلام از علمای عامه ای که حاضر بودند و مامون اعتراف می­گیرد مامون هم می­گوید هذا مما لاخلاف فیه اصلاً و علیه الاجماع

بعد مأمون می­گوید فهل عندک فی آل شیٌ اوضح من هذا فی القرآن قال ابوالحسن ببینید امام رضا می­خواهد یک چیزی که خیلی واضح است و هیچ شک و شبهه ای در آن نیست را بیان کند بیشتر از آن چیزی که اجماع هم برای آن هست بیشتر از آن چیزی که لاخلاف در مورد آن هست یک چیز اجماعی که بالاتر از اجماع هست امام رضا علیه السلام در پاسخ مأمون این طوری می­فرماید نعم اخبرونی عن قول الله عزوجل یس و القرآن الحکیم إنّک لمن المرسلین علی صراط مستقیم فمن عَنَی بقوله یس قالت العلماء یاسین محمد

 کلمات مقطعه که در اول برخی سوره های قرآن است دو تا از این کلمات مقطعه اشاره به نام شریف حضرت ختمی مرتبت هست یکی یس هست یکی طه هست آل طه و آل یس هر دو به معنای آل محمد صلوات الله علیه هست

 در فقه الرضا صفحه صد و نه صد و پانزده صد و سی و هشت و چهارصد و سه از ائمه علیهم السلام به آل طه و آل یس یاد شده چهار تا دعا هست در هر چهار دعا تعبیر آل طه و آل یس در فقه الرضا نقل شده

 حالا در این روایت علمایی که حضور امام رضا علیه السلام بودند همه می­گویند که مراد از «یس» حضرت محمد است

 قال ابوالحسن علیه السلام فان الله عز و جلّ اعطی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد من ذلک فضلاً لایبلغ احد کنه وصفه الا من عقله و ذلک ان الله لم یسلّم علی احد الا علی الانبیا فقال تبارک و تعالی سلام علی نوح فی العالمین و قال سلام علی ابراهیم و قال سلام علی موسی و هارون و لم یقل سلام علی آل نوح و لم یقل سلام علی آل موسی و لا علی آل ابراهیم و قال سلام علی آل یاسین یعنی آل محمد فقال المامون قد علمت ان فی معدن النبوه شرح هذه و بیانه و هذه السابعه

 که امالی صدوق مجلس هفتاد و نه حدیث یک عیون اخبار الرضا جلد یک صفحه دویست و سی و هفت تحف العقول صفحه چهارصد و سی و سه و همچنین در تاویل الآیات صفحه چهارصد و نه این قطعه هست و اکثر هم در سعد السعود صفحه دویست و هفتاد و سه هست الان دیگر وقت گذشته یک بحثی را یک موقعی من در اینجا صبحت خواهم کرد در مورد اینکه آیا سلام علی آل یاسین بگذارید فردا این را صحبت کنم دیگر دیر نشود یک صحبتی هست که آیا این سلام آل یاسین با قرینه سیاق منافات دارد یا منافات ندارد من می­خواهم فردا این مطلب را عرض کنم دقیقاً قرینه سیاق اقتضا می­کند که ما سلام علی آل یاسین بخوانیم دقیقاً قرینه سیاق همین معنا را اقتضا می­کند نه تنها قرینه سیاق منافی با این مطلب نیست قرینه سیاق معاضد این مطلب هم هست این را ان شاءالله من فردا توضیحش را خواهم داد و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

شاگرد: حاج آقا مزار کبیر ابن مشهدی زیارت آل یاسین او روایتهای عجیب و غریبی دارد

استاد: مزار ابن مشهدی برای من قابل اعتماد نیست ولو به سند خوبی

شاگرد: سندش صحیح است ظاهراً چون تمام آل یاسین در آن است ولی عبارتهای عجیبی دارد یعنی اولش را ببینید فاذا اردتم می­گوید اتوجه یک دفعه یعنی چه

استاد: یعنی عبارت این است من نمی­دانم من مزار ابن مشهدی برای من غرائب اجمع الغرائب مزار ابن مشهدی برای من قابل اعتماد نیست من قبل از اینکه موقعی که چهل سال قبل یک موقعی یکسری کارهای سندی می­کردم هر وقت به مزار ابن مشهدی می­رسیدم یک چیز عجیب و غریب می­دیدم

شاگرد: در متن

استاد: نه سندها سندهایی که جای دیگر نمونه ندارد مکرر در اینجا هست

شاگرد: نقل صدوق از کلینی فقط در مزار ابن مشهدی هست

استاد: یکی از نکاتی همین است نقل صدوق است این مزار ابن مشهدی یکی از چیزها من اتفاقاً یکی از نکاتی که دنبال آن بودم من مشایخ صدوق را چهل سال قبل یک موقعی دنبال کردم مزار ابن مشهدی هم دقیقاً به خاطر همین دنبال کردم چون حاج آقا مشایخ شیخ صدوق را در یک یادداشتی نوشته بودند من یادداشت را تبدیل به مقاله کرده بودم و چیز بود توضیحات مفصلی آنجا بود بعد خودم دنبال کردم سایر مشایخ صدوق را آن زمانها کامپیوتر نبود تمام بحار را من زیر و رو کردم برای پیدا کردن سال شصت و هفت اینهاست که مرکز کامپیوتر هم تاسیس نشده بود آنجا به مزار ابن مشهدی رسیدم دیدم نمی­شود اصلا اعتماد کرد به آن

شاگرد: یک مقاله نوشته بود گفته بود که اصح اسانید زیارت آل یاسین همین است که مرحوم ابن مشهدی در مزار آورده

استاد : ولی مشکل خود ابن مشهدی است و کتاب مزار است

شاگرد: مقاله ای که ابتدای فرمایشات خود به آن اشاره کردید نامش چیست؟

استاد: این دوست ما آقای نائینی که اینجا در خدمت ایشان بودیم مقاله را به ما داد ظاهراً چاپ نشده مقاله ای بود که چاپ نشده و در مورد زیارت آل یاسین بود که قرائت سلام علی آل یاسین و نکاتی که در مورد قرائت بود را داشتند

* در زیارت عاشورای غیر معروف هم